

بسمه تعالی

دکتر گیلکی

جلسه عمومی مادران دبیرستان یک و دو آذر ۱۴۰۲

اگر از همه‌ی ما که حاضر در این جلسه هستیم سوال کنند که چرا اینجا جمع شده‌ایم، تقریباً به یک جواب واحد می‌رسیم و آن هم این است که آمده‌ایم تا به فرزندان خودمان کمک کنیم و راهی پیدا کنیم که بتوانیم بیشتر به آنها خدمت بکنیم زیرا جوانان ما در دوره متوسطه، در حال تجربه دوره حساسی هستند زیرا در این سن جوانان دچار تغییرات ناگهانی هیجانی و احساسی می‌شوند و روابط اجتماعی و رفتارهای آنها نیز دست‌خوش تغییر می‌شود. این اتفاق مختص به این دوره نیست ولی در این دوره بیشتر رخ می‌دهد و اینجاست که نقش والدین پررنگ می‌شود و به کمک آنها نیاز پیدا می‌شود. والدین باید بدانند که چطور باید عمل کنند و گرنه دچار مشکلات زیادی می‌شوند زیرا عمل نکردن بهتر از ناشیانه عمل کردن است و والدین باید به ابزار لازم برای به کار بردن علم خود مجهز بشوند.

* رشد همه جانبه است یعنی اگر یک مشکلی در هیجان و احساس فرزند رخ دهد، این مشکل تنها مختص به آن بخش نیست و این مشکل روی بقیه ارگان‌ها و قسمت‌های بدن مانند روان، هورمون‌ها و روابط اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد و باقی ابعاد زندگی فرد را دچار مشکل می‌کند. والدین باید عالم به این قضیه باشند و بتوانند مشکلات را لمس کنند و ببینند.

* اصل دوم مسئله هوش است که خود هوش طبق گفته **گاردنر** نیز ابعاد مختلفی مانند هوش ریاضی، تصویری، کلامی-زبانی، جسمی-حرکتی، موسیقایی، درون فردی، برون فردی، طبیعت گرا و هستی گرا را در کنار خود دارد. بحث هوش به بیش از ده بخش تقسیم می‌شود و قرار نیست که فرزندان بتوانند در همه‌ی این ابعاد از هوش متخصص باشند زیرا خداوند هرکسی را به اندازه خودش از ابعاد مختلف بهره‌مند می‌کند و تنها خداوند است که حد استاندارد هرکسی را می‌شناسد. در آمار مسئله‌ای به نام منحنی نرمال است که میانگین آن کاملاً در وسط است و اعتدال دارد، هرچند که ممکن است استثنا هم وجود داشته باشد ولی اکثریت در اعتدال هستند و این اعتدال حاصل علم خداوند است مثل اینکه فرزندی هوش ریاضی خوبی نداشته باشد ولی در باقی مسائل تسلط داشته باشد و اولیا نباید به فرزند در آن زمینه فشار بیاورند که اگر فشار بیاورند موجب بروز مشکل و خروج فرد از حالت طبیعی خود می‌شود. فرزندان ما نیز به یک غم‌شکن نیز دارند که آنها را درک کنند و مشکلات آنها را بفهمند تا فرزندانشان زیر بار فشار نابود نشوند و بهداشت روانی آنها بهم نخورد. بنابراین غم‌شکن هرکس با فرد دیگری متفاوت است.

* ما در تربیت نیز گلدن‌تایم (زمان طلایی) داریم و نباید از آن غافل شویم هرچند که تربیت در تمام طول عمر جریان دارد ولی نباید از گلدن‌تایم پرهیز کرد برای مثال فرزند شما در یک لحظه نیازی دارد که با برخورد تند پدر مواجه



می شود و از سوال خود صرف نظر می کند و دچار آسیب می شود. ما باید به انتخاب های فرزند خود احترام بگذارید و گوش شنوای او باشیم، تا فرزند ما مشکلات خود را با شخص غیر مطرح نکند و از ما سرد شود.

یکی از معیارهای تربیت فرزند خود اوست. خودش است که می تواند بیشترین کمک را به خودش بکند و در جهت پیشرفت قدم بردارد و اگر علاقه ای به این موضوع نداشته باشد کمتر کسی دیگر می تواند به او کمک کند. خود او باید انگیزه خود را فعال کند تا جهت درست قدم بردارد و ما نباید سعی کنیم تا آنها را شبیه خودمان کنیم، ما باید مواد مناسب را در اختیار او بگذاریم تا خودش شروع به ساختن کند. ما باید به فرزند فضای سخن گفتن و مشورت بدهیم تا او هم احساس ارزشمندی کند. ما باید بحث تربیت را طبق علاقه فرزند شروع کنیم ولی در پایان طبق اصول خودمان به پایان برسانیم.

خداوند هنگامی که انسان را خلق کرد، یک خود واقعی برای آن قرار داد که تمام ابعاد انسان در آن قرار دارد حال غیر از این خود ما یک خود دیگر هم به نام خود ایده آل داریم. این خود ایده آل چیزی است که ما می خواهیم باشیم. فرزندان باید به خود واقعی برسند تا استعداد های خود را کشف کنند و با داشته ها و نداشته ها مواجهه شود و قدرت و ضعف ها را بشناسد. غرق شدن در خود ایده آل اصلاً چیز مناسبی نیست زیرا از واقعیت های خود فاصله می گیرد ولی در عین حال ایده آل گرایی به اندازه نیز می تواند محرک خوبی باشد.

* ما برای پیشرفت در امر تربیت باید هم عصر و هم دوره با فرزندان خود بروز شویم و پیشرفت کنیم تا بتوانیم با توجه به نیازمندی های عصر خودش، او را تربیت و راهنمایی کنیم. حال ما نیاز داریم که بتوانیم جواب درستی به پرسش های فرزند خود بدهیم و برای بهره مندی بهتر، باید به اساتید مناسب و عالم و منابع درست رجوع کنیم. هرگاه احساس کنیم که رابطه ما و فرزند دچار رخنه و کدورت شده است باید به سرعت از آن جلوگیری کرد. مشکل هرچه بزرگتر لطف خداوند بیشتر پس در مواجهه با مشکل در ابتدا باید تشخیص داد که این مشکل واقعی است یا خیر؟

* مشکل واقعی طولانی مدت است و زیاد باقی می ماند، تکرار می شود، روند طبیعی فرزند را تغییر می دهد، فرزند را دچار تغییرات شدید هیجانی و احساسی می کند. حال ما باید علائم و نشانه های آن مشکل را یادداشت کنیم و طبق آن مشکل را بررسی کنیم. در گام بعدی باید با متخصصان و صاحب نظران آن موضوع مشورت کنیم تا راه حل را بیابیم. در گام بعدی ما باید به سراغ ارجاع دادن به افراد مناسب برویم.

پایان مبحث

جلسه عمومی مادران دبیرستان یک و دو

آذر ۱۴۰۲